

تحلیل گفتمان کیفر در عصر پهلوی

غلامحسین الهام**

محمدصادق محمدی قهفرخی*

چکیده

عصر پهلوی، عصر تثبیت مدرنیسم کیفری است. حکومت پهلوی در این دوره، اعتبار احکام شرعی را به طور حداقلی می‌پذیرد، ولی آنچه مشهود است، این است که حکومت بعد از تثبیت پایه‌های قدرت خویش اقدام به زدودن اعتبار احکام شرعی از متن قوانین کیفری کرد. پرسش‌های مطرح در خصوص مجازات این عصر این است که نخست چه گفتمان‌هایی در متن تحولات کیفر این عصر حاضر بوده‌اند و دوم، عوامل مؤثر و نقش این عوامل در قدرت یافتن این گفتمان‌ها به چه میزان بوده است. در جواب باید گفت که یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که گفتمان «مدرنیسم کیفری» در این عصر با طرد محورهای گفتمانی «کیفر شرعی» در پی مستحکم کردن جای پای خود در متن تحولات کیفر در این دوره است و ورود آموزه‌های مدرن فلسفی و حقوق کیفری، اثرپذیری از دستاوردهای نوین جرم‌شناسی و نظام حقوقی کشور فرانسه و نقش گفتمان «کیفر سلطنتی» در تثبیت قدرت و پایه‌های حکومت پهلوی را می‌توان از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر تحولات کیفر در این عصر دانست که پیامد آن، ظهور نوآوری‌های قانون مجازات عمومی در تبیین اصل قانونی بودن جرم و مجازات، کیفیات مشدده و مخففه مجازات، مجازات جرائم سیاسی، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط محکومین از یک‌سو و حذف آرام و تدریجی و کم اثر شدن مجازات شرعی در حوزه جرائم جنسی و مجازات اطفال و همچنین سرکوب ارزش‌های فرهنگی و قومیتی

* کارشناس ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق جزا، دانشکده معارف اسلامی و حقوق جزا، دانشگاه امام

M.s.m.gh.73@gmail.com

صادق، تهران، ایران.

dr.elham@ut.ac.ir

** دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

و نیروهای مرکزگریز و مخالف حاکمیت از سوی دیگر بود. مسئله اصلی پژوهش، تبیین نقش و تأثیر گفتمان‌های حاضر در متن تحولات کیفر در عصر پهلوی است. پژوهشگر در این مقاله با بهره جستن از روش تحقیق کیفی «روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)» به تحلیل گفتمانی کیفر در عصر پهلوی می‌پردازد.

واژگان کلیدی: اندیشه کیفری، تحولات حقوق کیفری، روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)، عصر پهلوی، کیفر، گفتمان کیفر سلطنتی، گفتمان مدرنیسم کیفری.

سرآغاز

با آغاز حکومت پهلوی و قدرت یافتن روزافزون رضاخان نیاز شدیدی به وجود قوانین کارآمد در جهت مدرن کردن و سامان دادن اوضاع آشفته مملکت توسط همفکران پادشاه احساس می‌شد و محمدرضا شاه پهلوی هم برای تداوم سلطنت پدر این نیاز را احساس می‌کرد؛ به گونه‌ای که تحولات سیاسی این عصر منجر به تصویب قوانین کیفری متفاوت از گذشته شد. البته این نکته را باید ذکر کرد که تطورات قوانین کیفری در عصر پهلوی بی‌شک متأثر از آموزش مکاتب حقوق کیفری و آموزه‌های نوین فلسفی در دانشگاه‌های فرانسه به دانشجویان ایرانی بود که ردپای نظریات این مکاتب به خوبی در آراء نویسندگان این قوانین مشهود است. کشف عناصر گفتمانی و دال‌های مرکزی تحولات کیفر در این عصر، مسئله‌ای است که این پژوهش ذیل آن شکل گرفته است. این پژوهش از این لحاظ که به کشف گفتمان‌های مؤثر در تحولات مجازات پهلوی با جستجوی مصادیق متأثر از این گفتمان‌ها در متن قوانین کیفری و مقایسه و نسبت‌سنجی تأثیر هر یک از گفتمان‌ها می‌پردازد، پژوهش مهمی برای محققان حوزه کیفر شناسی است.

در مورد پژوهش‌هایی که متناظر با این تحقیق انجام شده است، می‌توان به آثاری مانند پایان‌نامه «تعامل شرع و قانون در حقوق کیفری ایران؛ ابعاد و تحولات آن»، تألیف سید محمد هاشم علوی (۱۳۹۶) اشاره کرد که محقق در این اثر صرفاً به تحلیل روابط

شرع و قانون در عصر پهلوی بدون تحلیل عوامل مؤثر بر شکل‌گیری این روابط و سایر عوامل مؤثر بر نضج کیفر در این عصر پرداخته است. اثر قابل‌توجه دیگر در این حوزه می‌توان به پایان‌نامه «بررسی تحولات حقوقی و اجرای کیفر حبس در ایران؛ از زمان مشروطه تا حال حاضر»، تألیف لیلا مقدادی (۱۳۸۳) اشاره کرد. محقق در فصل دوم این اثر به اقسام کیفر حبس و سیر تحولات آن بدون تحلیل عوامل مؤثر بر این تحولات پرداخته است. در مقاله «نظام جزایی ایران در عصر پهلوی، چالش‌ها و ملاحظات (از آغاز تا انقلاب اسلامی)»، تألیف علی طالع زاری (۱۳۹۴)، محقق تنها به آسیب‌شناسی خلأها و مشکلات ناشی از تصویب قوانین ماهوی و شکلی بدون توجه به گفتمان‌های مؤثر در این دوره از تاریخ پرداخته است.

هدف اصلی این پژوهش، تبیین نقش و تأثیر گفتمان‌های حاضر در متن تحولات کیفر در عصر پهلوی است. پرسش اصلی که به تبع این هدف مقاله مطرح می‌شود، این است که چه گفتمان‌هایی در متن تحولات کیفر در عصر پهلوی حضور دارند؟ دو پرسش فرعی ذیل سؤال اصلی مطرح می‌شود که نخست، چه عناصری در قدرت یافتن این گفتمان‌ها مؤثر بوده است و دوم اینکه نقش عناصر هر گفتمان بر تحولات کیفر به چه میزان بوده است؟

لازم به ذکر است که ساختار اصلی مقاله پیش رو به دو قسم کلی تقسیم می‌شود؛ قسمت نخست مقاله به تبیین روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) و قسمت دوم به تحلیل گفتمان کیفر در عصر پهلوی اختصاص دارد.

۱. روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام^۱

گفتمان را می‌توان هر نوع اظهارات، گزاره‌ها، کلمات، عبارات و گفت‌وگوهایی که دارای زمینه‌های اجتماعی است، دانست (مک دانل، ۱۳۸۰: ۵۶). ابداع روش تحلیل

گفتمان، تحول مهمی در حوزه تحقیق کیفی محسوب می‌شود. این روش که در پی کشف ایدئولوژی و پس متن است، باعث تحول شگرفی در نحوه برداشت و کشف مفاهیم و معانی زبانی و فرازبانی شده است (بشیر، ۱۳۸۵: ۴). تفاوت بارز این روش با سایر روش‌های تحقیق کیفی، غنای روایی این روش است. غنای روایی از این لحاظ که منجر به ایجاد رابطه میان معنا و واقعیت جهان بیرونی در جهت برون‌رفت از فضای ذهنیت‌گرا شود؛ بنابراین در آثاری که با روش تحلیل گفتمان نگاشته می‌شود، روش تحقیق بیش از اصل متن باید مورد توجه قرار گیرد (بشیر، ۱۳۹۱: ۹). روش‌های رایجی مثل روش ون دایک، فرکلاف و لاکلاو و موف در تحلیل گفتمان وجود دارد که همه این روش‌ها دارای نوعی ابهام در شیوه عمل هستند (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۸). روش پدام با توجه به کارایی، روانی، نظم، فرایند مشخص و انسجام الگوی عملیاتی که برای درک و تحلیل دقیق‌تر گفتمان‌ها دارد برای تحلیل متون بسیار مناسب و مؤثر است (بشیر و حاتمی، ۱۳۸۸: ۱۰۱).

روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام)^۱ بر سه مرحله «توصیف»، «تفسیر» و «تیین» تأکید می‌کند. این سه مرحله با توجه به پنج سطح تحلیل مورد توجه قرار می‌گیرد. مرحله «توصیف» شامل سه سطح تحلیل «سطح-سطح»، «عمق-سطح» و «سطح-عمق» می‌شود. مرحله «تفسیر» هم شامل سطح «عمیق» می‌شود و در نهایت «مرحله تیین» شامل سطح «عمیق‌تر» می‌شود (میرفخرایی، ۱۳۸۳: ۲۵).

۱. این روش توسط حسن بشیر، هیئت علمی دانشکده فرهنگ و ارتباطات دانشگاه امام صادق (ع) ابداع شده است.

قبل از ارائه نمونه عملی و بارز از تحلیل مجازات عصر پهلوی توسط روش عملیاتی تحلیل گفتمان پدام، لازم است که توضیح و تبیین مختصری از سطوح پنج‌گانه روش پدام ارائه شود.^۱

در روش تحلیل گفتمان پدام، پژوهشگر در مرحله توصیف به دنبال کشف رابطه میان معانی مشترک با یکدیگر در متن برای استخراج قرائت معانی جملات همسو است که این مرحله خود به سه قسمت (سطح - سطح) جهت قرائت کلی متن، قسمت (عمق - سطح) جهت سنجش امکانات معنایی متن گزینشی بدون توجه به معانی سایر متون و در نهایت قسمت (عمق - سطح) برای کشف معنای آشکار و پنهان بعدی متن است (بشیر، ۱۳۹۱: ۱۳).

همچنین پژوهشگر در مرحله تفسیر در پی کشف دال‌های مرکزی و شناور منتج از مرحله قبلی در مقایسه با بینامتنیت‌های درونی و بیرونی جهت ایجاد رابطه معنایی میان متن و زمینه است (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۲) و در نهایت پژوهشگر در مرحله تبیین به دنبال کشف ناگفته‌های متن بر پایه گفته‌های متن با توجه به نتایج به دست آمده از مراحل قبلی است (بشیر، ۱۳۹۰: ۱۶).

۲. تحلیل گفتمان کیفر در عصر پهلوی

پس از تبیین اهمیت روش عملیاتی تحلیل گفتمان (پدام) به تحلیل گفتمانی مجازات این دوره خواهیم پرداخت. درباره متونی که مورد تحلیل قرار می‌گیرند باید به دکتترین حقوقی و نظرات استادان برجسته حقوق کیفری در آن زمان مانند حسن سمیعی، ابراهیم پاد و محمد باهری که نقش عمده‌ای در تصویب قوانین کیفری و آموزش

۱. قابل توجه است که پیشتر مقاله «تحلیل گفتمان کیفر در آستانه مشروطیت» توسط نویسندگان همین مقاله با روش «تحلیل گفتمان پدام» کار شده است که خوانندگان این مقاله برای مطالعه تفصیلی‌تر روش تحلیل گفتمان پدام می‌توانند به آن مقاله مراجعه کنند.

حقوق در دانشگاه‌ها داشتند به همراه قوانین کیفری مهم این دوره مانند قانون «قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴» و سایر قوانینی که ذکر خواهد شد، اشاره کرد.

۱-۲. سه مرحله نخست تحلیل کیفر در عصر پهلوی

نکته لازم به ذکر در این مرحله این است که تحلیل گفتمان «قوانین کیفری» مبتنی بر سه سطح اول در جدول «۱» و همچنین تحلیل گفتمان «دکترین حقوقی» مبتنی بر سه سطح اول در جدول «۲» انجام می‌گیرد.

قابل توجه است که قوانین کیفری مشارالیه در جدول ۱ عبارت‌اند از: قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴، قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹ و لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ و همچنین این نوشتار در ارائه دکترین حقوقی در جدول ۲ از کتاب‌های حقوق جزای عمومی محمد باهری، حقوق جزا/ حسن سمیعی و حقوق کیفری/ اختصاصی دکتر ابراهیم پاد که از استادان حقوق جزا و افراد مؤثر در تصویب قوانین کیفری وقت بودند، سود برده است.

جدول ۱: تحلیل گفتمانی قوانین کیفری مبتنی بر سه سطح نخست

تحلیل توجیهی با توجه به گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از اصل متن
- تلاش برای همزیستی و ایجاد وفاق بین کیفر شرعی با کیفر عرفی.	- اعتبار مجازات شرعی و عرفی نزد مقننین.	«مجازات مصرحه در این قانون از نقطه نظر حفظ انتظامات مملکتی مقرر و در محاکم عدلیه مجری خواهد بود و جرم‌هایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع مجازات می‌شوند». (ماده ۱- قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴)
- تلاش برای همزیستی و ایجاد وفاق بین کیفر شرعی با کیفر عرفی.	- اعتبار مجازات شرعی و عرفی نزد مقننین.	«هرگاه سرقت جامع تمام شرایط مقرر در شرع نبوده؛ ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد جزای مرتکب حبس دائم با اعمال شاقه است: ۱- سرقت در شب واقع شده؛ ۲- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند؛ ۳- یک یا چند نفر از آن‌ها حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد؛ ۴- از دیوار بالا رفته یا جرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا این‌که عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مأمور دولتی قلمداد کرده و یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشد؛ ۵- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشد». (ماده ۲۲۲ ق مجازات عمومی ۱۳۰۴)
- ابداع نهادهای کیفری مدرن - فردی کردن مجازات	- امکان وضع نهادهای ارفاقی در مجازات	«هرگاه محکوم علیه که اجرای حکم او معلق شده است، در مدت پنج سال از تاریخ قطعی شدن حکم محکوم به ارتکاب جنایت یا جنحه جدیدی که موجب حبس باشد، نشود محکومیت اولیه او ملغی و کأن لم یکن خواهد شد ولی اگر در مدت پنج سال مذکور مرتکب جنحه یا جنایت شده و به این واسطه به حکم قطعی محکوم شود، حکم اول نیز درباره او اجرا خواهد گردید». (ماده ۴۸ ق مجازات عمومی ۱۳۰۴)

	<p>- ایجاد بسترهای مناسب بازپروری اشتغال به فعالیت- های سودمند و اجتماعی برای زندانیان.</p>	<p>«محکومین به حبس تأدیبی و حبس مجرد و حبس با اعمال شاقه اعم از دائمی یا موقت باید در داخل یا خارج محبس به کارهای عام‌المنفعه یا غیر آن گمارده شوند». (ماده ۵۳ ق مجازات ۱۳۰۴)</p>
<p>- فایده مند کردن کیفر در متن تحولات کیفر - فردی کردن مجازات</p>	<p>- اهتمام قانون‌گذار به اصلاح، بازپروری و باز اجتماعی کردن بزهکاران</p>	<p>«اشخاصی که در نتیجه ارتکاب جرائم عادی (غیرسیاسی) محکوم به حبس شده یا بشوند و لااقل یک ثلث از مدت حبس درباره آنان اجرا شده ممکن است نسبت به بقیه مدت حبس در مؤسسات فلاحتی یا صنعتی واداره به کار و تحت حفاظت قرار داده شوند به شرایط ذیل:</p> <p>۱- رضایت محبوسین جز در مورد محکومین به حبس با کار اجباری که در مورد آنها رضایت شرط نیست.</p> <p>۲- در صورتی که محبوس خطرناک به جامعه یعنی به جرم بالطبع یا بالحرافه یا بالعاده تشخیص نشود». (ماده ۱- قانون راجع به وادار کردن محبوسین غیرسیاسی به کار مصوب اسفندماه ۱۳۱۴)</p>
<p>- فایده مند کردن مجازات</p>	<p>- ورود اقدامات تأمینی به قانون</p>	<p>«اقدامات تأمینی عبارت‌اند از تدابیری که دادگاه برای جلوگیری از تکرار جرم (جنحه یا جنایت) درباره مجرمین خطرناک اتخاذ می‌کند. مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتکاب و جرم ارتكابی آنان را در مظان ارتکاب جرم در آینده قرار دهد از این‌که قانوناً مسئول باشند یا غیرمسئول، صدور حکم اقدام تأمینی از طرف دادگاه وقتی جایز است که کسی مرتکب جرم گردیده باشد». (ماده ۱- قانون اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹)</p>
<p>- تثبیت قدرت سیاسی پادشاه</p>	<p>- گسترش اختیارات پادشاه در تخفیف مجازات</p>	<p>«در جرائم سیاسی پادشاه می‌تواند نظر به پیشنهاد وزیر عدلیه و تصویب رئیس الوزراء تمام یا قسمتی از مجازات اشخاصی را که به موجب حکم قطعی محکمه صالحه محکوم شده‌اند عفو نماید و نیز می‌تواند در جرائم غیرسیاسی مجازات اشخاصی را که محکوم به اعدام شده‌اند تبدیل به حبس با اعمال شاقه نماید و مجازات سایر جرائم را یک درجه تخفیف دهد و یا قسمتی از آن را تا ربع عفو کند». (ماده ۵۵ ق مجازات عمومی ۱۳۰۴)</p>

<p>- تثبیت قدرت سیاسی پادشاه</p>	<p>- اهتمام قانون‌گذار به حفظ جایگاه و نظم پادشاهی در جامعه.</p>	<p>«هر کس به وسیله روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر به مقام سلطنت یا شخص شاه یا ملکه یا به ولیعهد توهین کند به مجازات از یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود. تبصره: مجازات توهین به خاندان سلطنت (پدر و مادر - اولاد - برادر و خواهر پادشاه) از سه ماه تا یک سال حبس تأدیبی خواهد بود.» (ماده ۱۶ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴)</p>
----------------------------------	--	--

جدول ۲: تحلیل گفتمانی دکترین حقوقی مبتنی بر سه سطح نخست

تحلیل توجیهی با توجه به گرایش‌های متن	جهت‌گیری و گرایش متن	برداشت از اصل متن
<p>- تأثیر مکتب نوکلاسیک بر تدوین مجازات.</p>	<p>- مجازات کیفری هم سزاگرا و هم در عین حال فایده مند هستند.</p>	<p>«فلسفه مجازات، دو چیز است؛ اولاً قصاص اجتماعی و تسلیت اخلاقی مجنی علیه یا اقوام او و ثانیاً حفظ جامعه از خطر مجرمین و تربیت آن‌ها. طبیعی است هیچ‌یک از این دو دیگری را طرد نمی‌کند و به خلاف عقیده فلاسفه طرفدار قصاص اجتماعی که کانت، سردهسته آن‌ها است و همچنین به خلاف عقیده فلاسفه طرفدار حفظ نظام اجتماعی که فیلسوف معرف، جرمی بتام، نماینده کامل این دسته است؛ مجازات هر دو مقصد مزبور را تأمین می‌کند؛ به این معنا که در ضمن صیانت جامعه از خطر مجرم و تربیت او در حدود امکان احساسات کینه‌جوئی مجنی علیه را تسکین داده و عدالت اجتماعی را معمول می‌سازد؛ چنانکه مثلاً هرگاه قاتلی را اعدام کنند در عرف می‌گویند، «داد مظلوم، داده شد» و «جامعه از بلائی جانی خلاص گردید.» (سمیعی، ۱۳۳۳: ۴)</p>
<p>- خوانش مدرن از مجازات شرعی مطابق با مکتب نوکلاسیک.</p>	<p>- مجازات شرعی هم فایده مند و در عین حال سزاگرا هم هستند.</p>	<p>«حقوق جزای اسلام از یک فلسفه مختلط الهام می‌گیرد؛ در این اختلاط هم عدالت و هم فایده اجتماعی و هم اصلاح و تأدیب مجرم دیده می‌-</p>

<p>- تلاش برای بارگذاری محاسن تمام نظریه‌های مطرح مدرن در سنت شرعی.</p>		<p>شود. فروعات فقهی که مجموعه آن‌ها حقوق جزای اسلامی را تشکیل می‌دهد به نظر غیرمتناسب با اوضاع عصر و زمان می‌آید. بدون تردید این نظریه در مورد فروعات فقهی و برای جوامع مترقی و پیش افتاده صحیح است؛ لکن در اصول و قواعد اساسی حقوق جزای اسلام، استعداد تطبیق مقررات جزایی با مقتضیات وجود دارد. مع‌ذلک در همین فروعات امتیازات حقوق جزای اسلام منعکس است؛ از جمله اینکه شکنجه و آزار و سیستم سؤالات و مجازات خودسرانه در حقوق جزای اسلامی وجود ندارد. تعزیرات برای تنبیه و اصلاح مجرم در نظر گرفته شده است و خشونت موجود در حدود موجب خوف و هراس می‌شود که موجب جلوگیری از تجلی استعدادهای مجرمانه می‌شود و منظور از فایده اجتماعی همین است که جرم تکرار و تجدید نشود». (باهری، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۲)</p>
<p>- فایده مند کردن مجازات</p>	<p>- اِبتِنای جزای نقدی بر بازدارندگی</p>	<p>«جزای نقدی از جمله مجازاتی است که رعایت اصل عدالت در آن به خوبی ممکن است، زیرا مجازات حبس (مخصوصاً در مورد مجرمین به حرفه که قباحت حبس در نظر آن‌ها ریخته شده) مجازات سنگینی نبوده و حتی در بعضی از موارد مجرمین به حرفه یا به عادت، حبس را بر آزادی ترجیح می‌دهند؛ زیرا حبس برای مجرم در ایام سختی مأمّن خوبی است که وسایل زندگی در آنجا بهتر فراهم است. در حالی که تأدیه جزای نقدی به هر صورت برای مجرم از هر طبقه‌ای که باشد اگر میزان آن با قوه و استطاعت مجرم متناسب باشد و مشکل بوده و مجرمین همواره آن را بر خلاف میل و رضایت خواهند پرداخت.» (سمیعی، ۱۳۳۳: ۱۵۰)</p>

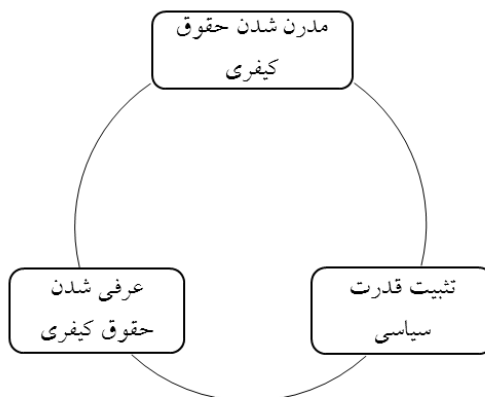
<p>- نارضایتی از سنت شرعی و تضادنمایی بین کیفر شرعی و اقتضانات حقوق مدرن.</p>	<p>- شباهت قانون قصاص به انتقام خصوصی.</p>	<p>«در خصوص قتل عمد و مجازات و وسیله جبران، قانون اسلامی بی‌شباهت به سایر قوانین قدیم از قبیل ژرمن و فرانک نیست ولی رجحانی بر آن‌ها دارد ... از طرف دیگر روشن می‌شود که در قوانین اسلامی برعکس قوانین جدید که گذشت کسان مقتول اصولاً موجب معافیت قاتل از مجازات اعدام نیست، گذشت ولی دم جز در موارد استثنایی مانع اعدام قاتل می‌بود. این حکم آخرین اثری است که از دوره انتقام شخصی در قوانین اسلامی باقی مانده و در قوانین جدید به کلی منسوخ گردیده است. برابر قانون ایران، گذشت کسان مقتول فقط ممکن است موجب تخفیف مجازات شود.» (پاد، ۱۳۴۷: ۲۷)</p>
<p>- تثبیت قدرت سیاسی پادشاه.</p>	<p>- اهتمام قانون‌گذار برای حفظ جایگاه و شخصیت پادشاه از هرگونه توهین و انتقاد.</p>	<p>«قانون‌گذار وقت بعد از نوشتن عبارت «مقام سلطنت» در «ماده ۱۶ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴» عبارت «یا شخص شاه» را به آن اضافه کرده است؛ منطبق این انشا آن بود که در سابق مطبوعات فقط اشاره به مقام سلطنت شده بود و عده‌ای از توهین‌کنندگان حرفه‌ای، فقط شخص پادشاه را به‌عنوان یک فرد عادی و بدون ربط دادن هتاک‌ی خود به مقام پادشاهی او مورد اهانت قرار می‌دادند؛ این بود که در کمیسیون تدوین اولیه لایحه به پیشنهاد یکی از قضات عضو کمیسیون، عبارت «شخص شاه» به متن ماده اضافه شد.» (پاد، ۱۳۴۷: ۴۰۵)</p>

۲-۲. مرحله عمیق تحلیل کیفر در عصر پهلوی

در مرحله عمیق سعی می‌شود بر اساس سه مرحله نخست تحلیل گفتمانی، دال‌های مرکزی و محورهای اساسی گفتمانی تبیین شود. دال‌های مرکزی و محورهای اساسی گفتمانی کیفر در عصر پهلوی در جدول ۳ تبیین می‌شود.

جدول ۳: محورهای اساسی گفتمانی و دال‌های مرکزی کیفر در عصر پهلوی

دال‌های مرکزی	محورهای اساسی گفتمانی
عرفی شدن حقوق کیفری	حذف تدریجی کیفرهای شرعی از متن قوانین و دکترین حقوقی
مدرن شدن کیفری	ابداع نهادهای کیفری مدرن
	فایده مندی کیفر
	سزا مندی کیفر
	فردی شدن کیفر
تثبیت قدرت سیاسی	جرم انگاری حداکثری جرائم علیه پادشاه و مقامات سلطنتی



نمودار ۱: دال‌های مرکزی کیفر در عصر پهلوی

۲-۳. مرحله عمیق‌تر تحلیل کیفر در عصر پهلوی

در این مرحله از تحلیل، نتایج به دست آمده از تحلیل متن با مسائل فرامتنی بررسی می‌شوند و قرائت نهایی مفسر و تحلیل اساسی صورت می‌گیرد که به تبع آن گفتمان اصلی کشف می‌شود. با توجه به دال‌های مرکزی شناسایی‌شده در نمودار ۲ کشف و تبیین فرامتن و ناگفته‌های تحولات کیفر در عصر پهلوی در سه بخش «مدرن شدن حقوق کیفری»، «عرفی شدن حقوق کیفری» و «تثبیت قدرت سیاسی» ارائه می‌شود.

۱-۳-۲. مدرن شدن حقوق کیفری

پس از ورود مستشاران غربی به ایران و شکل‌گیری طبقه‌ای از نخبگان، روشنفکران و بازرگانان ایرانی به‌عنوان نماد قشر باسواد ایرانی که به تحصیل در اروپا می‌پرداختند، مدارس در ایران تأسیس شد که علاوه بر انتقال علوم و فنون غربی به داخل کشور، جنبه ایدئولوژیک به خود گرفته بودند (فراستخواه، ۱۳۹۷: ۱۱۰-۱۰۹)؛ به‌گونه‌ای که شیخ فضل‌الله نوری در باب مخالفت با تأسیس این مدارس جدید در ایران این‌چنین فریاد سر می‌دهد که: «تو را به حقیقت اسلام قسم می‌دهم! آیا این مدارس جدیده خلاف شرع نیست؟ و آیا ورود به این مدارس مصادف با اضمحلال دین اسلام نیست؟» (کرمانی، ۱۳۶۲: ۲۲۳). از یک طرف نظام علمی مدارس قدیمی ایران که در عصر پهلوی دیگر کارکردی جز تکرار علمی منسوخ نداشتند و از طرف دیگر تحول تاریخی در حوزه علوم انسانی و علوم اجتماعی که به ضرورت وضع کشورهای اروپایی تبیین شده بود و بخش‌هایی از آن علوم اصلاً هیچ ربطی به جامعه ایرانی و علوم متصلب مدارس قدیمی نداشت، باعث شد که مدرسه عالی علوم سیاسی و حقوق و بعدها دانشگاه تهران و به تبع آن دانشکده حقوق در پیوند با یکی از دانشگاه‌های اروپای غربی تأسیس شود. با این وجود رابطه دانشگاه‌های اروپایی با مدارس قدیمی دقیقاً برعکس دانشگاه تهران، یک رابطه طولی بود؛ مثلاً سرمشق و الگوی دانشگاه بزرگی چون «سوربن» که برای بخش‌های هیات حوزه پاریس توسط کشیش دستگاه حکومت سن لویی، پادشاه

فرانسه تأسیس شده بود، مدارس قدیمی دینی اروپا بود (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۴۰-۳۰). در این راستا ذکاءالملک فروغی در سخنرانی جشن تأسیس دانشکده حقوق دانشگاه تهران، وضع کلمه «حقوق» (droit) را از اصطلاحات جدید و بدون سابقه در زبان فارسی و شرع به تقلید و اقتباس از فرانسویان می‌داند که این کلمه در آن کشور بر مجموعه قوانین و مقررات الزامی حاکم بر روابط اجتماعی مردم، اطلاق می‌شود (فروغی، ۱۳۱۵: ۷۲۰). زمانی که در برنامه درسی «مدرسه عالی علوم سیاسی و حقوق»، درس فقه در کنار سایر دروس حقوقی این مدرسه گنجانده شد، با اعتراض جمعی از علماء و فقها مواجه شد که با توضیحات مشیرالدوله پیرنیا مبنی بر اینکه محصلین مدرسه و مأمورین سیاسی باید مانند هر مسلمانی با مسائل شرعی آشنا باشند، مشکل تدریس فقه در این مدرسه برطرف شد (مبارکیان، ۱۳۷۷: ۲۰). همچنین در جریان این نبرد بین فقه و حقوق در عصر پهلوی، زمانی که محمود شهابی، مجتهد فقه و اصول و استاد دانشگاه تهران مبادرت به راه‌اندازی نخستین دوره دکتری حقوق در دانشگاه تهران کرد، این دوره دکتری توسط دستگاه حاکمیت متوقف شد و حسین علا، نخست‌وزیر وقت، با اشاره به حوزه‌های علمیه و تدریس فقه و اصول، اعلام داشت که ساحت دانشکده حقوق برخلاف گذشته به دور از سستی و کاهلی خواهد بود (محبوبی اردکانی، ۱۳۵۰: ۳۵۶). چنین نگاه‌ها و رویکردهایی به فقه در دانشگاه تهران و سایر مراکز آموزشی باعث شد که استادان برجسته حقوق مدنی دانشگاه تهران همچون سید حسن امامی و منصورالسلطنه به منظور استقلال شاخه حقوق مدنی ایران از فقه امامیه، متون شرعی و علوم فقهی را با توجه به نظریه‌های علمی بفهمند و آن را در تفسیر حقوق مدنی به کار ببندند (طباطبایی، ۱۳۹۸: ۲۸).

در خصوص تأثیراتی که نظام حقوق کیفری فرانسه بر مدرن شدن حقوق کیفری ایران در عصر پهلوی داشت، می‌توان به دو نهاد «کیفیات مشدده و مخففه مجازات» و «مجازات جرائم سیاسی» اشاره کرد که تفصیل اقتباس و تأثیر هر کدام بر نظام حقوق کیفری عصر پهلوی شرح داده می‌شود.

در حقوق کیفری فرانسه، کیفیات مشدده به سه قسم واقعی، شخصی و مختلط تقسیم می‌شوند. در کیفیت مشدده واقعی، جرم توأم با صفتی است که موجب تشدید آن می‌شود. در مواد ۲۲۲ الی ۲۲۶ قانون مجازات عمومی که در مورد عوامل مشدده جرم سرقت مانند شکستن حرز، سرقت در شب، اجتماع بیش از دو نفر سارقین، بالا رفتن از دیوار، آزار و تهدید افراد در ضمن سرقت و حمل سلاح برای سرقت است، از کیفیات مشدده واقعی محسوب می‌شود (علی‌آبادی، ج ۲، ۱۳۵۲: ۲۵۳). کیفیت مشدده شخصی، کیفیتی است که در شخص مجرم یا معاون وی وجود دارد و حاصل اراده اوست. مجازات مشدده هتک ناموس به عنف یا تهدید و نیز هتک ناموس توسط معلم، نوکر و مستخدم مجنی علیه در ماده ۲۰۸ قانون مجازات عمومی از جمله موارد کیفیات مشدده شخصی مجازات است (سمیعی، ۱۳۳۳: ۱۵۴). کیفیت مشدده مختلط، کیفیتی است که ویژگی کیفیات شخصی و واقعی را با هم دارد. بر فرض مثال شخص خادم، مال مخلوم خود را با شکستن حرز بدزد که در ماده ۲۲۶ به آن اشاره شده است (علی‌آبادی، ج ۲، ۱۳۵۲: ۲۵۴).

در حقوق کیفری فرانسه، کیفیات مخففه به دو دسته معاذیر قانونی و قضایی تقسیم می‌شوند. معاذیر قانونی، معاذیری هستند که صراحتاً در قانون پیش‌بینی شده‌اند. ارتکاب جرم توسط صاحب مال در برابر شخص سارق در ماده ۱۹۰ قانون مجازات عمومی از مصادیق معاذیر قانونی است. معاذیر قضایی، معاذیری هستند که قضات مختار هستند تا با نگاه به اوضاع و احوال قضیه، به تخفیف مجازات تا میزانی که قانون پیش‌بینی کرده است، بپردازند. این اوضاع و احوال شامل بی‌تجربگی، ندامت، اخلاق خوب و ... مجرم است. در مواد ۴۴ و ۴۵ قانون مجازات عمومی به میزان تخفیف مجازات در موارد جنایت و جنحه بر اساس اوضاع و احوال مقتضی شرایط مرتکب و ارتکاب جرم اشاره شده است (سمیعی، ۱۳۳۳: ۱۵۵-۱۵۶).

و اما در خصوص مجازات جرائم سیاسی باید اشاره کرد که برخلاف ادبیات فقهی که اعمال ضد حاکمیت در چارچوب حدود بغی، محاربه و افساد فی الارض دسته‌بندی

می‌شوند، جرائم سیاسی در قانون مجازات عمومی به تبعیت از حقوق کیفری فرانسه مبتنی بر معیار «موضوعی» که موجب لطمه به تشکیلات و کار قوای عمومی می‌شود، دسته‌بندی شده بودند. این دسته‌بندی شامل لطمه زدن به منافع سیاسی کشور، آسیب رساندن به نهادهای جمهوری، ضرر رساندن به حقوق سیاسی شهروندان، جرائم و تقلب انتخاباتی و جرائم مطبوعاتی می‌شد که مجازات این جرائم به تبعیت از نظام حقوقی فرانسه در مواد ۸۳، ۸۶، ۹۱ و ۹۲ قانون مجازات عمومی، حبس، انفصال از خدمات دولتی و محرومیت از حقوق اجتماعی تعیین شده بود (استفانی، لوانور و بولاک، ج ۱، ۱۳۷۷: ۲۸۱).

آموزه‌های نوین جرم‌شناسی در راستای مدرن شدن حقوق کیفری در عصر پهلوی، تأثیر قابل‌توجهی داشتند که جا دارد در این زمینه به تأثیرات مکاتب مختلف جرم‌شناسی در این خصوص اشاره کرد. در مکتب عدالت مطلق (اصالت تحقق) به جای کاربرد عنصر معنوی «تقصیر و خطا» در ارتکاب جرائم از اصطلاح «حالت خطرناک» مجرمین استفاده می‌شود. در این مکتب اعتقاد بر این است که چون مجرمین به لحاظ بیولوژیک ناچار به پیروی از طینت و سرشت خود هستند، مسئولیت اخلاقی ندارند، ولی چون این افراد برای جامعه خطرناک هستند، اجتماع ناگزیر به وضع مقررات خاص دفاعی در قبال آنها است (صلاحی، ۱۳۸۶: ۶۳). انریکو فری، دانشمند برجسته این مکتب قائل به اندازه‌گیری شدت و ضعف درجه خطرناکی مجرمین بود. او معتقد بود که به جای مجازات باید از اقدام‌های دفاع اجتماعی استفاده کرد؛ اقدام‌های پیشگیرانه‌ای که متناسب با خصوصیات هر دسته از مجرمین، «فردی» شده باشند. بر اساس آموزه‌های این مکتب، مجرمین سیاسی باید تبعید شوند و مجانین بزهکار هم در مؤسسات مختص به آنان نگهداری شوند (رایجیان اصلی، ۱۳۹۷: ۸۲-۸۳). فری، کلیه مجرمین را در پنج دسته تقسیم‌بندی کرده و به تناسب هر گروه، کیفر متناسبی را پیشنهاد داده بود. او عقیده داشت که «مجرمین مادرزاد» را باید معدوم و حذف کرد، همچنین برای «مجرمین به عادت» کیفر حبس را پیشنهاد داد بود و نیز معتقد بود که

«مجرمین اتفاقی» را باید به جزای نقدی و کار بدون حبس محکوم کرد و در نهایت «مجرمین احساسی» را تنها ملزم به ترمیم خسارات می‌دانست (رحیمی‌نژاد، ۱۳۹۵: ۶۰-۶۱). قانون «تشدید مجازات اشخاص بدسابقه و شرور» در سال ۱۳۲۲ تصویب شد. در این قانون به وزارت کشور اجازه داده شده بود که اشخاص بدسابقه و شرور از قبیل چاقوکش، دزد، جیب‌بر و امثالهم که سابقه ارتکاب این‌گونه اعمال را داشتند، به مدت دو ماه تا دو سال تبعید یا بازداشت شوند. نکته حائز اهمیت این است که صرف سابقه ارتکاب این‌گونه اعمال در گذشته توسط این افراد، مجوزی بود که اداره شهربانی طبق ماده دوم آئین‌نامه اجرایی^۱ مصوب این قانون، باید اسامی این اشخاص بدسابقه و شرور را تهیه و به کمیسیون مزبور جهت اعمال مجازات حبس و یا تبعید ارائه می‌کرد. از متن قانون و آئین‌نامه آن مشخص است که قانون‌گذار با تأثیر از آموزه‌های مکتب «عدالت مطلق»، اقدام به شناسایی «مجرمین به عادت» و اعمال کیفر متناسب با این مجرمین کرده است. همچنین ماده اول قانون «اقدامات تأمینی مصوب ۱۳۳۹»^۲ مجرمین خطرناک را مجرمینی می‌داند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت جرم ارتكابی، آنان را در مظان ارتكاب جرم در آینده قرار خواهد داد که واضح است که این متن قانونی متأثر از رویکرد مکتب «عدالت مطلق» در بازنمایی و دسته‌بندی مجرمین به عادت است.

۱. «اداره شهربانی هر محل صورت اسامی اشخاص بدسابقه و شرور مندرج در ماده فوق را با ذکر سوابق آنها تهیه و به کمیسیون مزبور در ماده یک تسلیم خواهد نمود. کمیسیون پس از ملاحظه گزارش کتبی نماینده شهربانی و در صورت لزوم تحقیق از شخص متهم نسبت به هریک از اشخاص مورد گزارش نظر خود را اعلام خواهد نمود و در صورتی که نظر کمیسیون (به اتفاق یا به اکثریت) به موجه بودن گزارش شهربانی باشد راجع به بازداشت و مدت آن یا محل تبعید و مدت آن اظهار نظر خواهد کرد و گرنه به بی‌گناهی متهم رأی می‌دهد.»

۲. «... مجرمین خطرناک کسانی هستند که سوابق و خصوصیات روحی و اخلاقی آنان و کیفیت ارتكاب و جرم ارتكابی آنان را در مظان ارتكاب جرم در آینده قرار دهد ...»

از نگاه مکتب عدالت مطلق، چنانچه مرتکب جرم به هر علتی مجازات نشود، عدالت زیر سؤال می‌رود و مثالی که کانت در مورد اجرای عدالت برای ارتکاب جرم ولو در یک جزیره متروک جهت حفظ ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی می‌زد، در همین راستا است (پرادل، ۱۳۸۸: ۱۹)، ولی در مکتب «دفاع اجتماعی» بر کیفرزدایی و قضازدایی تأکید ویژه‌ای می‌شد. سعی این مکتب بر این بود که با رهنایدن متهم از صلاحیت فرایند کیفری قضایی، برخوردارهای اجتماعی، تربیتی، مدنی و اداری با وی صورت گیرد (آنسل، ۱۳۹۱: ۱۰۸-۱۰۹). در همین راستا قانون «تشکیل خانه انصاف» در سال ۱۳۴۴ به تصویب رسید. بر اساس ماده ۱۴ این قانون در جرائم کیفری با جزای نقدی حداکثر دوپست ریال، به جای اعمال مجازات قانون مجازات عمومی با رعایت انصاف، عرف روستا و بر اساس وجدان به صلح و سازش طرفین دعاوی کیفری رسیدگی می‌شد.

مکتب دفاع اجتماعی، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط را نهادهایی جهت بازسازی اجتماعی می‌داند که موجب بهبود سیستم زندان‌ها جهت حضور دوباره زندانیان در جامعه و زندگی واقعی آن‌ها می‌شود (آنسل، ۱۳۹۱: ۸۷). بر اساس ماده اول قانون «راجع به وادار کردن محبوسین غیرسیاسی به کار مصوب ۱۳۱۵»، مجرمین جرائم عادی می‌توانستند در صورت طی ثلث دوران محکومیت خود بقیه این دوران را در مؤسسات فلاحتی یا صنعتی، تحت مراقبت مشغول به کار شوند. در قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ اثری از نظام آزادی مشروط یافت نمی‌شد تا اینکه در سال ۱۳۳۷ قانون «راجع به آزادی مشروط زندانیان» تصویب شد. در این قانون مجرمین در صورت استمرار حسن اخلاق، عدم ارتکاب جرم در آینده و جبران ضرر و زیان‌ها، مشمول آزادی مشروط به مدت پنج سال می‌شدند.

در دهه ۶۰ میلادی، عدم موفقیت و ناکارآمدی اندیشه‌های بازپروری از یک‌سو و نقصان مکتب کلاسیک حقوق کیفری در عمل باعث پایان یافتن اندیشه‌های جزایی یک‌جانبه‌گرا و سوق به سمت تئوری‌های ترکیبی شد که ماحصل آن مکتب

«نوکلاسیک» بود. این مکتب حقوق کیفری، فلسفه مجازات و مشروعیت را توأمان هم در گرو منفعت اجتماعی و هم در گرو عدالت می‌دانست (داودی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۶۸). استادان مطرح حقوق کیفری آن زمان ایران تحت تأثیر این مکتب در آثار مکتوب خود بیان می‌کنند که «فلسفه مجازات، دو چیز است؛ اولاً قصاص اجتماعی و تسلیت اخلاقی مجنی علیه یا اقوام او و ثانیاً حفظ جامعه از خطر مجرمین و تربیت آن‌ها.» (سمیعی، ۱۳۳۳: ۴) و حتی پا را از این فراتر می‌نهند و ادعا می‌کنند که «حقوق جزای اسلام از یک فلسفه مختلط الهام می‌گیرد؛ در این اختلاط هم عدالت و هم فایده اجتماعی و هم اصلاح و تأدیب مجرم دیده می‌شود.» (باهری، ۱۳۹۴: ۴).

آزادسازی زود هنگام مجرمین به منظور کنترل جمعیت کیفری زندانیان و بازاجتماعی کردن آنان موجب سستی و تزلزل در مجازات، سلب اعتماد عمومی مردم جامعه نسبت به سازمان‌های اجرای مجازات و بدبینی به نهادهای عفو، آزادی مشروط و حبس‌های کوتاه‌مدت جهت پیشگیری از جرائم می‌شد (داودی گرمارودی، ۱۳۸۴: ۶۹)، در نتیجه مکتب نوکلاسیک قائل به تعدیل مجازات بود تا قضات مجبور نباشند برای رهایی مجرمین از کیفر به آنان حکم تبرئه یا آزادی مشروط بدهند (پرادل، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۳۲). در همین راستا در قانون اصلاحی مجازات عمومی مصوب ۱۳۵۲ مجازات «حبس تکدیری یا خلافی» از ردیف مجازات جرائم «درجه خلاف» حذف شد و مجازات این نوع از جرائم صرفاً «جزای نقدی» تعیین شده بود که با توجه به خصوصیات ذکر شده در مورد خصوصیات مجازات سالب آزادی از منظر مکتب نوکلاسیک، پیشرفت مناسبی در جهت تقویت جنبه انسانی مجازات با الهام از اندیشه‌های جدید جزائی محسوب می‌شده است (آزمایش، ۱۳۵۲: ۲-۳).

مجازات عصر پهلوی در ابتدا متأثر از مکاتب «عدالت مطلق» و «دفاع اجتماعی» بوده است، ولی با گذشت زمان و آموزش آموزه‌های مکتب «نوکلاسیک» در مراکز آموزش عالی کشور، تأثیر شگرفی از این مکتب حقوق کیفری پذیرفته‌اند.

۲-۳-۲. عرفی شدن حقوق کیفری

در ذیل ماده یک قانون مجازات عمومی تصریح شده است که «جرم‌هایی که موافق موازین اسلامی تعقیب و کشف شود، بر طبق حدود و تعزیرات مقرر در شرع مجازات خواهد شد». این عبارت اشعار بر این دارد که قانون‌گذار مجازات این قانون را غیر از مجازات شرعی دانسته است و همچنین بیان می‌دارد که علاوه بر مجازات موردنظر در این قانون، مجازات شرعی کماکان به قوت خود باقی است. وجود این ماده در کنار ماده دوم همین قانون که مبین اصل «قانونی بودن جرائم» است، عملاً موجب اجرا نشدن کلیه مجازات اسلامی خارج از این قانون شده است. ذکر پراکنده و نامنظم بعضی از مجازات زنا و لواط آن‌هم بدون ارائه هیچ‌گونه تعریفی از این جرائم در قانون مانند ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی^۱ - که همین ماده در اردیبهشت ۱۳۱۰ نسخ شد- و عدم اجرای کامل قواعد قصاص در فقه امامیه مانند عدم رعایت مقررات قصاص عضو و مقررات مربوط به عفو جانی توسط اولیای دم و دریافت دیه بدل از قصاص در مواد ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲ و ۱۹۲ قانون مجازات عمومی که علاوه بر این موارد با حذف مجازات شلاق^۲ در سال ۱۳۴۴، باعث شد که هیچ اثری از مجازات شرعی بر جای نماند تا به نظر استادانی چون /براهیم پاد، استاد وقت دانشکده حقوق دانشگاه تهران، قوانین جدید کیفری ایران مرحله گذر از دوره انتقام خصوصی و مظاهر و آثار آن را به آرامی طی کنند (پاد، ۱۳۴۷: ۲۷)، زیرا به نظر این استادان حقوق کیفری، فروع فقہی که مجموعه آن‌ها حقوق جزای اسلامی را تشکیل می‌دهد، غیرمتناسب با اوضاع عصر و زمان هستند

۱. «مرتکب لواط و زنا محصنه با محارم نسبی و زنا به عنف در صورتی که جنایت مطابق مقررات شرعیه ثابت شود، اعدام می‌گردد».

۲. لازم به ذکر است که مجازات شلاق در ماده ۳۵ تنها برای کیفر اطفال ممیز غیر بالغ آن هم بین ده تا پنجاه ضربه معین شده است و به هیچ عنوان برای جرائم شرعی به کار نرفته است و تنها به خاطر سابقه وجود چنین کیفری در آثار فقہی برای خالی نبودن عریضه و اقناع افکار عمومی وارد قانون مجازات عمومی شده بود.

(باهری، ۱۳۹۴: ۸۱-۸۲). در اثر القائات چنین نظرات استادان حقوق کیفری آن زمان مراکز آموزش عالی در ایران با تصویب جدید ماده ۲۰۷ قانون مجازات عمومی^۱ در سال ۱۳۱۰ پس از نسخ متن قبلی این ماده، مجازات اعدام به سان نظام حقوقی دول اروپایی با نگرارش قید کلی «رابطه نامشروع» که جایگزین عنوان فقهی «زناى محصنه» شده بود، در جرائم منافی عفت حذف شد و با این حذف کیفر اعدام و خصوصی دانستن تعقیب کیفری موارد رابطه نامشروع در قانون، کورسوی امید برای مدنظر قرار دادن «حدود الهی» در متن قوانین کیفری زائل شد تا بدین وسیله دست محاکم شرعی را از رسیدگی به جرائم جنسی -که تنها جرائمی بودند که این محاکم مجاز به رسیدگی بودند- کوتاه سازند و با سرعت هر چه بیشتر روند عرفی سازی و پیاده سازی آموزش های علمی در مراکز آموزش عالی کشور را پیگیری کنند (علوی، ۱۳۹۶: ۱۳۲-۱۳۱).

این تحولات مربوط به حذف تدریجی مجازات شرعی و عرفی شدن حقوق کیفری ناشی از تحولات مربوط به آموزش حقوق کیفری نوین در مراکز علمی و دانشگاهی است و اگر هم در ابتدای تصویب قانون مجازات عمومی، یک سری از مقررات راجع به جرائم منافی عفت طبق احکام فقه امامیه به صورت ناقص در متن قانون آمد تنها در جهت اقناع و سکوت علمای مذهبی بوده است (طالع زاری، ۱۳۹۴: ۶۵).

در خصوص عرفی شدن قوانین کیفری می توان به تطورات مجازات اطفال در عصر پهلوی اشاره کرد. تصویب قانون مجازات عمومی مصوب ۱۳۰۴ مصادف با سال ۱۹۲۶

۱. «کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال ذیل شوند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد: (۱) هر زن شوهر دار که با مردی رابطه داشته باشد. (۲) هر مرد زن دار که با زنی رابطه نامشروع داشته باشد. (۳) هر مردی که با زن شوهر دار رابطه نامشروع داشته باشد. (۴) هر زنی که با بودن در قید زوجیت دیگری مزاجت نماید. (۵) هر مردی که زن شوهر دار ازدواج نماید. (۶) هر عاقدی که زن شوهر داری را برای مردی تزویج کند. در مورد فقره ۲ این ماده زوجه و در سایر موارد زوج سمت مدعی خصوصی داشته و تعقیب جزایی موکول به شکایت او است. در صورت استرداد شکایت از طرف مدعی خصوصی تعقیب جزایی متوقف خواهد شد.»

میلاادی است. در آن سال‌ها قانون «دادگاه‌های اطفال بزهکار مصوب ژوئیه ۱۹۱۲» در نظام قضایی فرانسه مجری بوده است (کاتبی، ۱۳۴۶: ۸۶). در قانون «دادگاه‌های اطفال بزهکار» فرانسه، اطفال ۱۳ تا ۱۶ ساله از عذر «صغر» که از موجبات تخفیف مجازات است، بهره‌مند می‌شدند و برخلاف قوانین قبلی، موضوع احراز «تمییز» در مورد اطفال ۱۳ ساله حذف شد که این حکم ناشی از فرض قانونی مطلق عدم مسئولیت بود (استفانی، لوانور و بولاک، ج ۱، ۱۳۷۷: ۵۴۱-۵۴۲). در قانون مجازات عمومی ایران، فرض قانونی مطلق عدم مسئولیت جزایی در مورد اطفال کمتر از ۱۲ سال پذیرفته شده و از آن‌ها با عنوان «اطفال غیر ممیز» نام برده شده بود.^۱ همچنین در مواد ۱۷ و ۱۸ «قانون مربوط به تشکیل دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸» همانند نظام حقوق کیفری فرانسه برای اطفال ۶ تا ۱۲ سال از یک‌سو و اطفال ۱۲ تا ۱۸ سال از سوی دیگر، اقدام‌های تأمینی و تربیتی متناسب در نظر گرفته شد (استفانی، لوانور و بولاک، ج ۱، ۱۳۷۷: ۵۴۳). با عنایت به این توضیحات در خصوص مجازات اطفال در عصر پهلوی، باید گفت که به ادبیات شرعی در احراز مسئولیت قانونی مانند احراز سن بلوغ در منابع فقهی و نحوه تأدیب اطفال التفاتی نشده و این امور متأثر از نظام حقوقی فرانسه بوده است.

۳-۳-۲. تثبیت قدرت سیاسی

استبداد رضاخان جهت یکپارچه کردن کشور و اصلاح زیرساخت‌های اقتصادی و امنیتی مستلزم قلع و قمع کردن نیروهای مرکزگرای در ساختار اجتماعی و سیاسی کشور بود (مصلی نژاد، ۱۳۹۵: ۳۰۰). به همین جهت رضاخان پهلوی در سال ۱۳۰۰ پس از کودتا در زمان تصدی وزارت جنگ، فرمانی را صادر کرد که «امر اعدام» فقط در اختیار اوست بدون اینکه اجرای این‌گونه اعدام، شیوه قضایی داشته باشد. بعد از تثبیت حکومت پهلوی در سال ۱۳۱۸ قانون «دادرسی و کیفر ارتش» تصویب و ابلاغ شد که

۱. ماده ۳۴: «اطفال غیر ممیز را نمی‌توان جزائاً محکوم نمود. در امور جزائی، هر طفلی که دوازده سال تمام نداشته باشد، حکم غیر ممیز را دارد.»

این قانون به جرائم محل به سلطنت^۱ نیز رسیدگی می‌کرد که این سیستم دادرسی موجب نقض اصل تفکیک قوا می‌شد و در راستای تثبیت قدرت سیاسی حکومت پهلوی بود (الهام، ۱۳۸۹: ۱۵-۱۶).

بررسی دویست و هشتاد ماده قانون مجازات عمومی نشان از این دارد که «زندان» به منزله مجازات اصلی در نظر گرفته شده بود. مجازات زندان در عصر پهلوی بهترین ابزار برای سرکوب ارزش‌ها و هنجارهای قومی و آزدن سران قبایل بزرگ کشور بود. به‌طور مثال در زندان «قصر» به منظور توهین و تحقیر، خوانین کرد، لر و سایر قومیت‌ها را مجبور به تخطی از ارزش‌ها و هنجارهای آرایشی و پوششی مختص به قوم خود مانند تراشیدن ریش و سبیل و پوشیدن لباس زندان به بهانه رعایت بهداشت آن‌هم در زندان کثیف، نمود و آلوده قصر می‌کردند تا حکومت از این طریق راحت‌تر بتواند از زندان به‌عنوان عاملی برای هماهنگ‌سازی فرهنگی اقوام و گروه‌های اپوزیسیون حاکمیت استفاده کند (خزائی، ۱۳۹۵: ۱۶۴-۱۵۰).

گسترش اختیارات پادشاه در عفو و تخفیف مجازات در ماده ۵۵ قانون مجازات عمومی گامی در جهت تقویت قدرت پادشاه بود که برخلاف آموزه‌های نوین حقوق کیفری مورد عمل توسط دستگاه حاکمیت بود. از منظر سزار بکاریا، جرم‌شناس شهیر ایتالیایی، «عفو ملوکانه» ناقص اصل تفکیک قوا و عامل دخالت قوه مجریه در وظایف قوای مقننه و قضائیه است (استفانی، لوانور و بولاک، ج ۲، ۱۳۷۷: ۸۷۸). همچنین وجود کیفر «اعدام» در ماده ۸۲ قانون مجازات عمومی^۲ که اشاره به جرم «لطمه به نهادهای حاکمیتی» دارد، نمی‌تواند ناشی از حقوق کیفری فرانسه و آموزه‌های نوین جرم‌شناسی

۱. ماده ۳۱۸ قانون دادرسی و کیفر ارتش مصوب ۱۳۱۸: «هر کسی که مرتکب سو قصدی شود که منظور از آن خواه به هم زدن اساس حکومت یا ترتیب و وراثت تخت و تاج و خواه تحریص مردم به مسلح شدن بر ضد قدرت سلطنت باشد، محکوم به اعدام است.»

۲. «هر یک از وزراء و اعضا پارلمان و صاحب منصبان دولتی که بر ضد حکومت ملی قیام نماید یا حکم قیام را بدهد، محکوم به اعدام است.»

باشد، زیرا مجازات اعدام در جرائم سیاسی در حقوق کیفری فرانسه به موجب قانون اساسی مصوب سال ۱۸۴۸ کشور فرانسه قبل از تصویب قانون مجازات عمومی در سال ۱۳۰۴ شمسی لغو شده بود (استفانی، لوانور و بولاک، ج ۲، ۱۳۷۷: ۶۴۸-۶۴۹).

از جمله موارد دیگر در نقض اصل تفکیک قوا جهت تقویت و گسترش پایه‌های قدرت حکومت پادشاهی در عصر پهلوی می‌توان به تدوین «لایحه حفظ امنیت اجتماعی» در سال ۱۳۳۴ اشاره کرد که در این لایحه یک کمیسیون مرکب از فرماندار، رئیس شهربانی، رئیس ژاندارمری و دادستان محل تشکیل می‌شد که جایگزین نهادهای قضائی برای تبعید و نفی بلد متعرضان بدون رعایت اصول آئین دادرسی کیفری مانند تحقیقات از متهم بود. این قانون مبنا و مرجع تشکیلات سازمان اطلاعات و امنیت کشور (ساواک) برای تعقیب، ارباب و مجازات مخالفین حکومت پهلوی بود. ریشه این قانون به دوران نخست‌وزیری محمد مصدق برمی‌گردد که ناشی از اختیارات گسترده ایشان بود که موجب نقض تفکیک قوا می‌شد (ثابتی، ۱۳۹۰: ۵۷). در مواد ۲ و ۳ این لایحه قانونی، مجازات دو تا شش ماه اقامت اجباری در محلی دیگر برای عمل تحریک مردم و کشاورزان علیه مأمورین دولتی و نظم عمومی تعیین شده است که حاکی از جلوگیری از انعقاد نطفه هر حرکت اعتراضی در اجتماع بود. جرم‌انگاری شدید توهین به شخص شاه و خاندان سلطنتی در «لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴» هم یکی از اعمال حکومت پهلوی جهت جلوگیری از انتقادات و اعتراض‌ها به دستگاه حاکمیت و پادشاه بود. اضافه کردن عبارت «شخص شاه» در ماده ۱۶ لایحه قانونی مطبوعات^۱ به این منظور بود که توهین‌کنندگان حرفه‌ای حتی قادر به توهین به شاه به‌عنوان یک فرد عادی بدون در نظر گرفتن مقام پادشاهی او هم نباشند (پاد، ۱۳۴۷: ۴۰۵) تا از این طریق زمینه هرگونه اعتراضی به اعمال و کردار شاه بسته شود. این اقدام‌ها جهت تثبیت پایه‌های قدرت پادشاهی نشان از ساخت قدرت سیاسی مبتنی بر

۱. «هر کس به وسیله روزنامه یا هر نوع نشریه دیگر به مقام سلطنت یا شخص شاه یا ملکه یا به ولیعهد توهین کند به مجازات از یک تا سه سال حبس تأدیبی محکوم می‌شود».

گفتمان «کیفر سلطنتی» دارد که حاکی از تداوم این گفتمان از متن تحولات کیفر در آستانه انقلاب مشروطه است. در گفتمان «کیفر سلطنتی» پیشامشروطه، تمرکزگرایی در قدرت، نفی آموزه‌های مدرن دموکراسی و وفاداری به مناسبات طبقاتی جامعه از شاخصه‌های اصلی آن گفتمان بود (محمدی قهفرخی و الهام، ۱۳۹۹: ۱۹۴) که در دوره پهلوی هم این شاخصه‌های گفتمانی مشهود هستند.

فرجام سخن

عصر پهلوی، عصر تثبیت مدرنیسم کیفری است. پذیرش محدود احکام شرعی در ابتدای حکومت پهلوی، موقتی و برای فریب علما و اذهان عمومی است. در این مقاله تلاش شد با روش تحلیل گفتمان پدام، گفتمان‌های موجود در متن تحولات کیفر در عصر پهلوی مورد بررسی قرار بگیرد. در پاسخ به پرسش‌های این تحقیق مبنی بر اینکه گفتمان‌های حاضر در این عصر کدام هستند باید گفت که گفتمان‌های حاضر در این عصر، گفتمان «مدرنیسم کیفری» و گفتمان «کیفر سلطنتی» هستند که تحلیل مجازات این عصر حاکی از حضور سه دال مرکزی در این عصر است و بدین شرح است که نوآوری قانون مجازات عمومی در تبیین اصل قانونی بودن جرم و مجازات، کیفیات مشدده و مخففه مجازات، مجازات جرائم سیاسی، نظام نیمه آزادی و آزادی مشروط محکومین در راستای «مدرن شدن حقوق کیفری» عصر پهلوی در اثر اقتباس از نظام حقوق کیفری فرانسه و تأثیر غالب آموزه‌های نوین جرم‌شناسی بوده است. همچنین حذف آرام و تدریجی و کم اثر شدن مجازات شرعی در حوزه جرائم جنسی و مجازات اطفال هم نشان از «عرفی شدن حقوق کیفری» عصر پهلوی دارد و نیز جرم‌انگاری شدید توهین به شخص شاه و خاندان سلطنتی، نقض تفکیک قوا در قوانین «دادرسی و کیفر ارتش» و «لایحه حفظ امنیت اجتماعی» و در نهایت گسترش مجازات زندان به عنوان عاملی برای سرکوب ارزش‌های فرهنگی و قومیتی از نشانه‌های «تثبیت قدرت سیاسی» و تداوم گفتمان کیفر سلطنتی پیشامشروطه است.

در خصوص پاسخ به سؤال دوم این پژوهش که در مورد عناصر و نقش آن‌ها بر گفتمان‌های مؤثر بر تحولات کیفر در عصر پهلوی بود، باید گفت که عناصر مؤثر بر دو گفتمان «مدرنیسم کیفری» و گفتمان «کیفر سلطنتی»، شامل دو دسته عناصر است. عناصر دسته اول، عناصر علمی و فرهنگی از یک سو مانند تأسیس مراکز آموزش عالی، دانشگاه‌ها و دانشکده‌های حقوق، آموزش علم حقوق و علوم جرم‌شناسی و ... است و عناصر دسته دوم، عناصر سیاسی و اجتماعی از سویی دیگر مانند تلاش برای ساخت قدرت سیاسی پادشاه و دستگاه حاکمه جهت تلاش برای پیشبرد اهداف اقتصادی و سیاسی و تثبیت جایگاه قدرت خاندان سلطنتی است. آنچه مشهود است که هر دو دسته عناصر دارای نقش و تأثیر یکسان بر دو گفتمان مؤثر بر تحولات مجازات عصر پهلوی هستند.

پژوهش حاضر می‌تواند فتح بابی برای پژوهش‌های دیگر در حوزه تحلیل گفتمان حقوق کیفری و حتی پژوهش‌های کیفی در رشته حقوق شود. در تحلیل کیفر عصر پهلوی می‌توان ادعا کرد که در تحولات مجازات تفاوت چندانی بین زمان پهلوی نخست با شاه بعدی نیست و در زمان هر دو پادشاه حکومت پهلوی، شاهد عناصر مربوط به سه دال مرکزی مورد اشاره در این عصر هستیم؛ منتها بنا به ملاحظات دوران، در سال‌های نخستین سلطنت پهلوی اول، فرایند مدرن شدن و عرفی شدن مجازات، تدریجی است و گرنه از منظر عرفی شدن، مدرن شدن و تثبیت قدرت سیاسی در بستر تحولات مجازات نمی‌توان قائل به تفاوت بارزی در عصر پهلوی شد.

تحلیل گفتمانی مجازات عصر پهلوی کمک شایان توجهی به فهم نفوذ سویه‌های مدرن شدن و عرفی شدن در بستر تدوین و تنقیح این مجازات از یک سو و سویه اقتدارگرا و تثبیت‌کننده قدرت از سوی دیگر می‌کند. این فهم علاوه بر اینکه به ارتقای تجربه مقنین حال حاضر کمک می‌کند، می‌تواند تاریخی بی‌پیرایه و منصفانه از وقایع اجتماعی، سیاسی و حقوقی عصر پهلوی روایت کند. در سال‌های نخست بعد از انقلاب اسلامی هم حکومت برای تثبیت قدرت سیاسی، روی به اجرای کیفرهای بدنی

و سالب حیات منبعث از منابع فقهی آورد، ولی طی دهه‌های اخیر جریان‌های مدرن و عرفی گرا تحت پوشش کاهش هزینه‌های سیاسی نظام و علمی کردن مجازات اقدام به حذف مجازات شرعی چون «رجم»، افزایش نهادهای مخفف در قوانین جزایی و جایگزین کردن کیفر شلاق در جرائم تعزیری در قانون «تعزیرات مصوب ۱۳۶۱» با کیفر حبس و جزای نقدی در قانون «تعزیرات مصوب ۱۳۷۵» کردند که با کنار هم قرار دادن تجربیات کیفرگذاری نظام جمهوری اسلامی با تجربیات حکومت سابق در سه زمینه «عرفی شدن»، «مدرن شدن» و «تثبیت قدرت سیاسی» مجازات، می‌توان نقشه راه جامعی با کمترین اشتباه را پیش روی مقننین و استادان حقوق کیفری کشور قرار داد.

منابع

- آزمایش، سید علی (۱۳۵۲) «بررسی انتقادی قانون مجازات عمومی ایران مصوب ۱۳۵۲»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۲۲-۱.
- آنسل، مارک (۱۳۹۱) *دفاع اجتماعی*، تهران: گنج دانش.
- استفانی، گاستون، لوانسور، ژرژ و بولوک، برنارد (۱۳۷۷) *حقوق جزای عمومی؛ جرم و مجرم*، ج ۱، مترجم حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- استفانی، گاستون، لوانسور، ژرژ و بولوک، برنارد (۱۳۷۷) *حقوق جزای عمومی؛ ضمانت اجرای اجرائی: مجازات و اقدامات*، ج ۲، مترجم حسن دادبان، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- الهام، غلامحسین (۱۳۸۹) *حقوق جزای نظامی*، تهران: انتشارات دادگستر
- بهری، محمد (۱۳۹۴) *حقوق جزای عمومی*، تهران: نگاه معاصر.
- بشیر، حسن (۱۳۸۵) *تحلیل گفتمان؛ دریچه‌ای برای کشف ناگفته‌ها*، تهران: مرکز تحقیقات دانشگاه امام صادق.
- بشیر، حسن (۱۳۹۰) *رسانه‌های بیگانه؛ قرابتی با تحلیل گفتمان*، ج ۱، تهران: انتشارات سیمای شرق.

بشیر، حسن (۱۳۹۱) رسانه‌های بیگانه؛ قرائتی با تحلیل گفتمان، ج ۲، تهران: انتشارات سیمای شرق.

بشیر، حسن و حاتمی، حمیدرضا (۱۳۸۸) «مطالعه مقایسه‌ای رویکردهای انتخاباتی؛ تحلیل سرمقاله‌های جمهوری اسلامی و کیهان درباره دومین مرحله انتخابات مجلس هشتم»، فصلنامه پژوهش‌های ارتباطی، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۹۳-۱۱۴.

پاد، ابراهیم (۱۳۴۷) حقوق کیفری اختصاصی، تهران: بی‌نا. پرادل، ژان (۱۳۸۸) تاریخ اندیشه‌های کیفری، مترجم علی حسین نجفی ابرنآبادی، تهران: انتشارات سمت.

ثابتی، پرویز (۱۳۹۰) در دامگه حادثه؛ بررسی علل و عوامل فروپاشی حکومت شاهنشاهی، لس‌آنجلس: شرکت کتاب.

خزائی، یعقوب (۱۳۹۵) فرآیند ساخت یابی نهاد زندان از مشروطه تا پایان پهلوی اول، تهران: انتشارات آگه.

داودی گرمارودی، هما (۱۳۸۴) «مکتب نوکلاسیک نوین و احیا رویکرد سزادهی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۱۷، شماره ۶۸، صص ۸۸-۶۵.

رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۷) درآمدی بر جرم‌شناسی، تهران: انتشارات سمت.

رحیمی نژاد، اسماعیل (۱۳۹۵) جرم‌شناسی، تبریز: انتشارات فروزش.

سمیعی، حسن (۱۳۳۳) حقوق جزا، تهران: چاپ افست احمدی.

صلاحی، جاوید (۱۳۸۶) کیفرشناسی، تهران: انتشارات میزان.

طالع زاری، علی (۱۳۹۴) «نظام جزایی در عصر پهلوی، چالش‌ها و ملاحظات (از آغاز تا انقلاب اسلامی)»، پژوهشنامه تاریخ، سال دهم، دوره ۱۱، شماره ۳۸، صص ۸۰-۶۱.

طباطبایی، سید جواد (۱۳۹۸) ملاحظات درباره دانشگاه، تهران: مینوی خرد.

علوی، سید محمد هاشم (۱۳۹۶) «تعامل شرع و قانون در حقوق کیفری ایران، ابعاد و تحولات آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی.

علی‌آبادی، عبدالحسین (۱۳۵۲) حقوق جنایی، ج ۲، تهران: چاپخانه بانک ملی.

فراستخواه، مقصود (۱۳۹۷) تاریخ دانشگاه در ایران، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

فروغی، محمدعلی (۱۳۱۵) «تاریخچه حقوق؛ خلاصه کنفرانس جناب آقای محمدعلی فروغی در دانشکده حقوق»، مجله تعلیم و تربیت، دوره ۶، شماره ۱۰، صص ۷۳۴-۷۱۷.
کاتبی، حسینقلی (۱۳۴۶) «تاریخچه قانون مجازات فرانسه»، مجله کانون وکلا، دوره ۱۹، شماره ۱۰۵، صص ۸۷-۸۳.

کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۶۲) تاریخ بیداری ایرانیان، تهران: آگاه نوین.
مبارکیان، عباس (۱۳۷۷) چهره‌ها در تاریخچه نظام آموزش عالی حقوق و عدلیه نوین (دادگستری)، تهران: نشر پیدایش.

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۰) تاریخ تحول دانشگاه تهران و مؤسسات عالی آموزش ایران، تهران: دانشگاه تهران.

مقدادی، لیلا (۱۳۸۳) «بررسی تحولات حقوقی و اجرایی کیفر حبس در ایران از زمان مشروطه تا حال حاضر»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تهران.

محمدی قهفرخی، محمدصادق و الهام، غلامحسین (۱۳۹۹) «تحلیل گفتمان کیفر در آستانه مشروطیت»، مجله مطالعات حقوقی، دوره دوازدهم، شماره چهارم، صص ۲۰۳-۱۷۳.
مصلی نژاد، عباس (۱۳۹۵) اقتصاد سیاسی ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
مک دائل، دایان (۱۳۸۰) مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمانی، مترجم حسینعلی نوذری، تهران: فرهنگ گفتمان.

میرفخرایی، تژا (۱۳۸۳) فرایند تحلیل گفتمان، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه.

